



Social Indicator System: Towards Designing and Developing Conceptual Models for Iranian Society

Amir Maleki¹ 

1. Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: a_maleki@pnu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 06 March 2023 Received: 06 August 2023 Accepted: 26 August 2023 Published online: 22 September 2023</p>	<p>Policymakers and social scientists are primarily concerned with examining and tracking the social condition of the community. A considerable number of organizations publish social reports, the majority of which are presented in a fragmented, sectional, and non-exhaustive fashion. Organizing and implementing a “social indicator system” as a collection of indicators that have been deliberately and methodically chosen, precisely defined, and organized in accordance with a theoretical framework. Recognizing the significance of the topic, the purpose of this article is to construct and consolidate a conceptual framework for assessing the social condition, with a particular focus on Iranian society.</p>
<p>Keywords: Social Indicators System Social Situation, Development Level Measurement Model, Monitoring of Social Changes Model, Pathological Model.</p>	<p>The present study employed a mixed methodological design, incorporating in-depth interviews with specialists and elites as well as documentary methods. The methodology employed in the development of the social indicators system is one that is centered on concepts.</p> <p>To assess the social standing of Iranian society, three distinct and autonomous conceptual frameworks have been formulated and constructed. According to the “development level measurement framework”, the “social condition” of the society is measured through the “social indicator system”, the “social indicator system” and the “social indicator system”. These components correspond to “social capital”, “quality of life” and “human development”, respectively. The “monitoring of social change” model examines the condition of the value system structure at the micro level and the process of structural changes in the domains of demographics, stratification, and technology at the macro level. The “social indicator system” model views the social condition as an “indicator system” of the social condition.</p> <p>The social problem is defined as an unfavorable circumstance resulting from a disruption in the dimensions of development or the rapid occurrence of changes in social structures, according to this model.</p>

Cite this article: Maleki, A. (2023). Social Indicator System: Towards designing and developing conceptual models for Iranian society. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12 (3):369-388.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358286.1396>



©The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358286.1396>

**نظام شاخص‌های وضعیت اجتماعی:****به‌سوی طراحی و تدوین مدل‌های مفهومی برای سنجش وضعیت اجتماعی ایران**امیر ملکی^۱۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، رایانامه: a_maleki@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	مطالعه و ارزیابی وضعیت اجتماعی جامعه از جمله دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و علمای علوم اجتماعی است. سازمان‌های متعددی در کشور به ارائه گزارش‌های اجتماعی می‌پردازند که اغلب این گزارش‌ها به‌صورت بخشی و مقطعی ارائه می‌شود. اثربخش‌ترین راه‌حل در این خصوص، تدوین «نظام شاخص‌های اجتماعی» است. منظور از نظام شاخص‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از شاخص‌ها است که براساس مدلی نظری به‌طور نظام‌مند و هدفمندی انتخاب شده‌اند، به‌خوبی تعریف شده‌اند و به‌وضوح ساخت یافته‌اند. مقاله حاضر با علم به اهمیت موضوع، چارچوبی مفهومی برای سنجش وضعیت اجتماعی ایران تدوین می‌کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵	در پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد روش‌شناسی ترکیبی، از هردو روش اسنادی و مصاحبه عمیق با نخبگان و متخصصان استفاده شده است. رهیافت نوشتار حاضر در تدوین نظام شاخص‌های اجتماعی، اساساً مفهوم‌محور است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۵/۱۵	سه مدل مفهومی مستقل و جداگانه برای سنجش وضعیت اجتماعی جامعه ایران طراحی و تدوین شده است: ۱. در مدل «سنجش سطح توسعه»، وضعیت اجتماعی مشتمل بر سه مؤلفه اصلی نظام معیشت، نظام توزیع و نظام تعاملات است که هریک از این مؤلفه‌ها به‌ترتیب متناظر با سازه‌های مفهومی کیفیت زندگی، توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی است؛ ۲. در مدل «رصد تغییرات اجتماعی» در سطح خرد وضعیت ساختار نظام ارزشی و در سطح کلان، روند تغییرات ساختاری در سه عرصه جمعیتی، قشربندی و فناوری مطالعه می‌شود؛ ۳. در رهیافت آسیب‌شناسانه، «وضعیت اجتماعی به‌مثابه بررسی وضعیت مسائل اجتماعی» بررسی می‌شود.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۴	در این مدل، مسئله اجتماعی وضعیت نامطلوبی تعریف می‌شود که ناشی از اختلال در ابعاد توسعه یا وقوع تغییرات سریع در ساختارهای اجتماعی است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۳۱	
کلیدواژه‌ها:	
مدل بررسی مسائل اجتماعی، مدل رصد تغییرات ساختاری، مدل سنجش سطح توسعه، نظام شاخص‌های اجتماعی.	

استناد: ملکی، امیر (۱۴۰۲). نظام شاخص‌های وضعیت اجتماعی: به‌سوی طراحی و تدوین مدل‌های مفهومی برای سنجش وضعیت اجتماعی ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۳)، ۳۶۹-۳۸۸. <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358286.1396>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسنده‌گان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358286.1396>

۱. مقدمه و طرح مسئله

تحلیل و شناخت وضعیت اجتماعی جامعه بر مبنای دستگاه نظری، حداقل سابقه‌ای به درازای عمر جامعه‌شناسی دارد. هریک از پارادایم‌های جامعه‌شناسی بر حسب سطح، واحد تحلیل و نفع معرفتی خود، مدل نظری خاصی را برای تبیین وضعیت اجتماعی جامعه تدوین کرده‌اند.

سی رایت میلز از جمله متفکران جامعه‌شناسی است که معتقد به لزوم وجود مدل نظری در مطالعه پدیده‌های اجتماعی است. او گردآوری نسجیده داده‌ها و آمارها برای توصیف جامعه را «تجربه‌گرایی انتزاعی» می‌نامد (دواس، ۱۳۹۲: ۲۰). میلز بر این باور است که اصل زیربنایی تجربه‌گرایی انتزاعی، روان‌شناسی گری^۱ است: یعنی انکار صریح متافیزیکی ساختار اجتماعی که کلید فهم پدیده‌های اجتماعی را نه نظام‌های اجتماعی، بلکه افراد می‌داند (میلز، ۱۹۵۹: ۶۷). میلز ایده اصلی خود را به‌اختصار چنین بیان می‌کند که «تحقیقات اجتماعی از هر نوع که باشد، به‌واسطه اندیشه و ایده‌ها پیش می‌رود و فقط به‌وسیله واقعیت‌ها نظم می‌یابد» (میلز ۱۹۵۹، ۷۱). مطالعه و ارزیابی وضعیت اجتماعی جامعه از جمله دغدغه‌های اصلی دولتمردان و سیاست‌گذاران اجتماعی نیز هست که نتایج آن معمولاً در قالب «گزارش وضعیت اجتماعی» نشان داده می‌شود. منظور از گزارش‌دهی وضعیت اجتماعی^۲ تلاش در جهت توصیف و تجزیه و تحلیل نظام‌مند وضعیت کنونی و رصد^۳ تغییرات در شرایط زندگی^۴ و ساختارهای اجتماعی است.

سازمان‌ها و مؤسسات متعددی در کشور (مانند مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، وزارت بهداشت و...) اقدام به جمع‌آوری و ارائه گزارش جداگانه در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و...) می‌کنند که اغلب این گزارش‌ها فاقد مدل نظری هستند و بر حسب وظیفه اداری به‌صورت مقطعی، بخشی و غیرجامع ارائه می‌شوند. این امر امکان استفاده هم‌زمان از این گزارش‌ها برای ارزیابی وضعیت اجتماعی را غیرممکن کرده است.

اثربخش‌ترین راه‌حل در این خصوص، تدوین «نظام شاخص‌های اجتماعی»^۵ است. منظور از نظام شاخص‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از شاخص‌ها است که براساس یک مدل نظری، به‌طور نظام‌مند و هدفمندی انتخاب شده‌اند، به‌خوبی تعریف شده و به‌وضوح ساخت یافته‌اند. ارتباط بین شاخص‌های تحت پوشش یک نظام شاخص‌ها باید مشخص و تعریف شود (نال، ۲۰۱۴). اولین قدم در بر ساخت چنین نظامی، تدوین و توسعه چارچوب مفهومی است. هدف این چارچوب، هدایت و تصحیح فرایند انتخاب شاخص‌های وضعیت اجتماعی است. تلاش برای تدوین نظام شاخص‌های اجتماعی، به‌طور معمول با چند چالش اساسی مواجه است: الف) تدوین نظام شاخص‌های اجتماعی قبل از هر چیز، نیازمند پاسخ‌دادن به این پرسش کلیدی است که «چه چیزی باید اندازه‌گیری شود»^۶. ب) دومین مسئله در تدوین نظام شاخص‌های اجتماعی، تعیین و مشخص کردن هدف اصلی گزارش‌دهی است. مقاله حاضر با

۱. psychologism؛ میلز یک فصل کامل (فصل ۳) در کتاب *بیش جامعه‌شناختی* را به توضیح این موضوع اختصاص داده است که چرا روش‌های «بلوک سازنده» تحقیق اجتماعی که توسط پل لازارسفلد (Paul F. Lazarsfeld)، خیره‌ترین سخنگوی تجربه‌گرایی انتزاعی، به کار رفته است، نمی‌تواند یک چارچوب نظری منسجم را تشکیل دهد. لازارسفلد معتقد بود بیابید چندین مطالعات میکروسکوپی (کوچک و ذره‌بینی) را روی هم تجمیع کنیم. سپس مانند مورچه‌هایی که خرده‌ریزهای کوچک را به یک توده بزرگ می‌کشاند، به‌آرامی و با ریزبینی، علم را بنیان خواهیم نهاد.

۲. Social reporting

۳. Monitoring

۴. Living condition

۵. Social Indicators System

۶. بسته به پاسخی که به این سؤال داده می‌شود، می‌توان سه رهیافت داده‌محور، سیاست‌محور و مفهوم‌محور را تشخیص داد. در رهیافت داده‌محور، موضوعات و ابعاد سنجش بسته به امکان دسترسی به داده‌ها انتخاب می‌شوند. درحالی‌که نقطه عزیمت رهیافت سیاست‌محور معمولاً اهداف مندرج در

علم به اهمیت موضوع، چارچوبی مفهومی برای سنجش وضعیت اجتماعی با تأکید بر جامعه ایرانی تدوین می‌کند. مدل‌های مفهومی پیشنهادی، اساساً مبتنی بر رهیافت مفهوم‌محور است. در عین حال اهداف برنامه‌ای مندرج در اسناد بالادستی کشور و همچنین وضعیت مسائل اجتماعی نیز مدنظر قرار گرفته است. با توجه به هم‌پوشانی مفاهیم در حوزه شاخص‌های اجتماعی، ملاک اصلی انتخاب مؤلفه‌های اصلی مدل‌های مفهومی در اثر حاضر، از یک طرف سطح انتزاع و گستره مفاهیم و از طرف دیگر نفع معرفتی، شرایط خاص جامعه ایرانی و پروبلماتیک بودن وضعیت ابعاد یک مفهوم در شرایط فعلی جامعه ایرانی است.

بنابراین با توجه به لزوم پوشش مسائل و آسیب‌های اجتماعی مختلف جامعه در گزارش‌های اجتماعی و همچنین لزوم به‌کارگیری و پایبندی به ادبیات نظری و پیشینه تجربی موضوع با هدف تحقق معیار جامعیت در تدوین نظام شاخص‌های اجتماعی، در طرح حاضر سه مدل مفهومی مستقل و جداگانه برای سنجش وضعیت اجتماعی جامعه ایران پیشنهاد شده است که سه هدف اصلی در حوزه تدوین گزارش‌های اجتماعی یعنی سنجش سطح رفاه و توسعه، رصد تغییرات ساختاری و بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی در نظر شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱ پارادایم‌های رقیب در تدوین نظام شاخص‌های اجتماعی

پارادایم‌های رقیب در تدوین نظام شاخص‌های اجتماعی را می‌توان در قالب دو مکتب تاریخ‌گرایی^۱ و اثبات‌گرایی^۲ دسته‌بندی کرد (کاب و ریکسفورد، ۱۹۹۸): عنوان تاریخ‌گرایی برای رویکرد توصیفی و عنوان اثبات‌گرایی برای رویکرد تحلیلی. این دو رویکرد، جهان‌بینی متفاوتی را بر ساخت می‌کنند و مبتنی بر معرفت‌شناسی‌های مختلف هستند؛ مشاهده مستقیم در تاریخ‌گرایی و استنباط آماری در اثبات‌گرایی. این مکاتب اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. مورخ توصیف می‌کند، اما پوزیتیویست تجویز می‌کند.

تاریخ‌گرایی: روش‌شناسی تاریخ‌گرایانه حامل اطلاعاتی است که معنای یک موقعیت و وضعیت را تشریح و تبیین می‌کند. موضوع مورد علاقه مکتب تاریخ‌گرایانه، مطالعه نحوه درک مردم از وقایع است و کمتر به بررسی روابط علی می‌پردازد. شاخص‌های تاریخ‌گرایانه برای افزایش آگاهی و درک اهمیت وقایع مفید هستند. هدف از این شاخص‌ها پاسخ به این سؤال است که «شرایط یا وضعیت موجود چیست (چگونه است)».

متفکران اصلی ایده تاریخ‌گرایی ویکو (۱۷۴۴-۱۶۶۸) و هردر (۱۷۴۴-۱۸۰۳) هستند. تاریخ‌گرایی به‌طور کلی یعنی اعتقاد به اصول یا قوانین عام و جهانی که حاکم بر تاریخ هستند؛ به‌ویژه قوانینی که الگوی کلی توسعه اجتماعی را تعیین می‌کنند. در بین نحله‌های مختلف این سیستم اعتقادی، در اینجا تمرکز بر روش استقرایی مکتب تاریخی آلمان است. پیروان این مکتب فلسفی در تلاش برای کشف قوانین تاریخی، درصدد بر ساخت ثبت دقیق‌تری از وقایعی برآمدند که الگوها باید براساس آن‌ها ادراک شوند. متفکران این حوزه فلسفی، از به‌کارگیری مدل‌های پیشینی برای هدایت تحقیقات اجتناب کردند. هدف آن‌ها این بود که به‌جای قیاسی، استقرایی باشند؛ ابتدا واقعیت‌ها را جمع‌آوری کنید، سپس براساس آن‌ها نظریه‌ها را بسط دهید.

سیاست‌گذاری‌های اجتماعی که توسط شاخص‌ها عملیاتی می‌شوند و هدف آن‌ها رصد دستیابی به اهداف است. در مقابل، رهیافت مفهوم‌محور معمولاً مبتنی است بر چارچوب نظری یا مفهومی که راهنمای انتخاب ابعاد سنجش و شاخص‌های مورد بررسی است.

^۱ historicism: تاریخی‌گری

^۲ positivism

اثبات گرایی: این اصطلاح را آگوست کنت در قرن نوزدهم براساس برخی عقاید قرن هفدهمی فرانسویس بیکن ساخت. به بیان بریانت (۱۹۸۵)، کاربردهای فرانسوی، آلمانی، انگلیسی و آمریکایی از این اصطلاحات بسیار متفاوت بوده است (در اینجا مقصود ایجاد پیوند با کل طیف ایده‌ها نیست). مقصود از این اصطلاح در اینجا، رویکردی به شاخص‌ها براساس اولویت نظریه بر داده‌ها، تجزیه و تحلیل بر توصیف و حل مسئله بر افزایش آگاهی است. اثبات گرایی دانشی را فراهم می‌کند که می‌توان از آن برای پیش‌بینی و مدیریت وضعیت اجتماعی استفاده کرد. شاخص‌های تدوین شده با این روش، برای تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و حل مشکلات مفید هستند. آن‌ها درصدد پاسخ به این پرسش هستند که عناصر کلیدی نظام اجتماعی کدام‌اند که می‌توان با تنظیم و سازگاری آن‌ها تعادل نظام را بار دیگر برقرار کرد.

برخلاف تاریخ‌گرایی، در این نظریه‌ها استنتاج به جای استقرا به صورت قیاسی انجام می‌گیرد. البته هم متفکران اثبات‌گرا و هم تاریخ‌گرا به واقعیت‌ها اعتماد می‌کنند، اما اثبات‌گرایان بر اهمیت استدلال قیاسی و شواهد تجربی تأکید می‌ورزند. در چارچوب اثبات‌گرایی، شاخص‌ها بخشی از فرایند آزمون فرضیه‌ها برای تعیین روابط معتبر هستند. از این‌رو، از این روابط می‌توان برای پیش‌بینی تأثیرات سیاست‌های اعمال شده برای رفع مشکلات استفاده کرد. جدول ۱ خلاصه‌ای از تفاوت‌های بین پارادایم‌های تاریخ‌گرایی و اثبات‌گرایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. تفاوت‌های بین پارادایم‌های تاریخ‌گرایی و اثبات‌گرایی

ویژگی‌ها	اثبات‌گرایی	تاریخ‌گرایی
شکل‌گیری نظریه	قیاسی یا پیشینی (قبل از تجربه)	استقرایی: براساس داده‌های جمع‌آوری شده
نظریه‌آزمایی	آیا شواهدی مبنی بر کارایی آن وجود دارد؟ (عملی بودن)	آیا این نظریه حس شهودی دارد؟ (باورپذیری و قابل قبول بودن)
شواهد ذکر شده	غیرمستقیم، استنتاج براساس آمارها درمورد علل	اعتماد و تکیه بر مشاهده مستقیم، تمرکز بر علائم و نشانگان
نقش نظریه	نظریه‌های صریح درمورد علل اجتماعی، راهنمای جمع‌آوری داده‌ها هستند	تقلیل گرایی ضمنی، علل فردی
هدف از جمع‌آوری داده‌ها	تعیین اینکه کدام سیاست‌ها واقعاً کارساز هستند؛ حل مسئله	تعیین میزان مشکل؛ ایجاد حمایت برای انجام اقدام
نقش ارزش‌ها	در رابطه با وسایل نه اهداف؛ قضایات‌های ارزشی منوط (مشروط) به واقعیات هستند	در نظر گرفتن حقایق به عنوان ارزش خنثی، ارزش‌ها ثابت هستند
سوگیری در جمع‌آوری داده‌ها	آگاهانه، هدف آشکارا بیان می‌شود، برهم‌زدن وضع موجود	ناآگاهانه، تظاهر به بی‌طرفی، از وضع موجود پشتیبانی می‌کند
ریشه‌ها	انگلیس، لیبرالیسم کلاسیک؛ فرانسه، سلامت عمومی	آلمان، اقتصاد نهادی، علوم انسانی
دیدگاه به نظام اجتماعی	کل‌گرا، دارای نظم ریاضی، خودتنظیم	پیچیده، علل گوناگون، خواستار تجزیه و تحلیل دقیق و تفصیلی
نقش مطلوب دولت	حداقل مشارکت برای مدیریت متغیرهای کلیدی نظام (مدیریت کلان)	دولت رفاه، مدیریت دقیق، برنامه جامع (مدیریت خرد)
موانع سیاست‌گذاری خوب	دانش درمورد روابط علی، مقاومت در برابر راه‌حل‌های ضد شهودی	اراده سیاسی برای انجام آنچه پیش از این درست شناخته شده است
اهمیت شاخص‌ها برای سیاست	بی‌فایده؛ ابزار فنی	ارزش نمادین، جابه‌جایی اهداف، ارتقای مشارکت

منبع: کاب و ریکس‌فورد، ۱۹۹۸

پس از خلاصه‌کردن تفاوت مفاهیم و روش‌شناسی دو مکتب تاریخ‌گرایی و اثبات‌گرایی، به بررسی توسعه و تکوین هر دو رویکرد در حوزه شاخص‌سازی می‌پردازیم.

۲-۲. تکوین رویکرد تاریخ‌گرایی در حوزه شاخص‌ها

مکتب فکری تاریخ‌گرایی آلمان را می‌توان در مفهوم Staatenkunde (مطالعه دولت) در قرن هفدهم و هجدهم جست‌وجو کرد (لیکویبر و اوبرشال، ۱۹۶۸: ۴۰-۴۱). این عبارت که خاستگاه و ریشه اصطلاح مدرن statistics (آمار) است، به توصیف مقایسه‌ای کشورها اشاره دارد: یعنی جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعاتی که «به‌روشنی وضعیت فعلی و دورنمای جامعه را نشان می‌دهند»^۱ (ایلر، ۱۹۷۹: ۱۸). جالب توجه است که اولین افرادی که خود را متخصص آمار می‌دانستند، اصلاً علاقه‌ای به اعداد نداشتند. در آلمان قرن نوزدهم، شکافی بین Tabellenstatistik (استفاده از جدول) و Staatswissenschaft (مطالعه دولت) رخ داد. اولین رهیافت به رشته اقتصاد سیاسی و دومین رهیافت به علوم سیاسی و مدیریت دولتی تبدیل شد. با این حال، جهت‌گیری هردو بسیار توصیفی باقی ماند. در اواخر قرن نوزدهم، اتحادیه سیاست‌های اجتماعی^۲ در واکنش به فلسفه لسه‌فر^۳ لیبرالیسم در آلمان ظهور کرد (برایانت، ۱۹۸۵: فصل ۳). این اتحادیه امیدوار به تجمیع مقادیر زیادی داده تجربی بود که بتوان براساس آن به نتیجه‌گیری در خصوص مدیریت اقتصاد پرداخت. این دقیقاً همان رویکرد مورد علاقه بیسمارک بود؛ کسی که مدل «دولت رفاه پدرسالارانه»^۴ را پایه‌گذاری کرد. پیش‌فرض بیسمارک و بوروکراسی‌اش این بود که دولت برای ارتقای سطح رفاه شهروندان نیازمند مداخله مداوم در اقتصاد است. از آنجا که هدف آن‌ها مدیریت خرد اقتصاد و نهادهای مختلف بود، نیاز به دانش دقیق در خصوص نحوه عملکرد آن‌ها داشتند. این ارتباط بین دولت رفاه و رویکرد تاریخ‌گرایانه به شاخص‌های اجتماعی، از اهمیت زیادی برخوردار است. بیشتر اقتصاددانان محافظه‌کار، به هرگونه حرکت سیاسی که از تدوین شاخص‌های اجتماعی طرفداری کند، بی‌مهر بوده‌اند. دلیل رسمی مخالفت آن‌ها معمولاً روش‌شناختی است. آن‌ها بر این باورند که اعداد بدون نظریه، بی‌فایده هستند. اما روش‌شناسی به ایدئولوژی گره خورده است. مخالفان به‌طور شهودی فهمیده‌اند رویکرد تاریخ‌گرایانه به شاخص‌های اجتماعی به معنای دفاع از دولت رفاه است.

۲-۳. تکوین رویکرد اثبات‌گرایی در حوزه شاخص‌ها:

منظور از اثبات‌گرایی در اینجا صرفاً رویکردی نظری و تحلیلی برای به‌کارگیری شاخص‌ها در حل مسئله است و سنتی به قدمت رویکرد تاریخ‌گرایانه (یا توصیفی) دارد. تاریخ‌گرایان بر این باورند که از طریق انتشار داده‌ها و اطلاعات درمورد شرایط اجتماعی، «تغییرات» به‌طور خودکار حاصل می‌شود؛ درحالی‌که دغدغه اثبات‌گرایان، چگونگی تدوین سیاست‌های مؤثر و کارا است. از دیدگاه اثبات‌گرایانه، بسیاری از سیاست‌های تدوین‌شده تاریخ‌گرایان صرفاً بیان نمادینی است که بیشتر به دنبال علائم و نشانگان است تا علل. اثبات‌گرایان به تولید نظریه‌ها یا مدل‌هایی علاقه‌مندند که روابط علی را مشخص کند. این مدل‌ها اگر به‌درستی مشخص شده

^۱ برجسته‌ترین نماینده این رشته در قرن هجدهم گوتفرد آچنوال (Gottfried Achenwall)، استاد حقوق و سیاست دانشگاه گوتینگن در آلمان بود.

^۲ Verein für Sozialpolitik

^۳ لسه‌فر (به فرانسه Laissez-faire) رویکردی اقتصادی است که طبق آن، تراکنش میان افراد باید عاری از هرگونه دخالت حکومت باشد. از این‌رو است که لسه‌فر از مبانی فکری اقتصاد آزاد و لیبرالیسم کلاسیک محسوب می‌شود. لفظ لسه‌فر بخشی از گزاره فرانسوی laissez faire, laissez passer است به معنی «بگذار برونند». لسه‌فر معمولاً در تقابل با برنامه‌ریزی مرکزی از سوی حکومت اقتدارگرا یا دخالت‌گری حکومت در جهت سوق‌دادن فعالیت‌های اقتصادی به‌جانب دلخواه [حکومت] به‌کار می‌رود. لودویگ فن میزس در کتاب کنش انسانی می‌نویسد: «لسه‌فر یعنی: بگذار تا انسان عادی خود انتخاب و عمل کند. مجبورش مکن که گردن به خواست دیکتاتور نهی». لسه‌فر به‌عنوان یک نظام فکری بر این اصول استوار است: فرد واحد پایه‌ای در جامعه است، فرد حق طبیعی آزادی دارد، نظم فیزیکی طبیعت نظامی دارای هارمونی و خودتنظیم‌گر است، ابرشرکت‌ها مخلوقات دولت‌اند و در نتیجه شهروندان باید آنان را به‌دلیل تمایزشان به اخلاق در نظم خودجوش اسمیتی به‌دقت مورد نظارت قرار دهند (ادام اسمیت، ثروت ملل: ۵۲).

^۴ Paternalistic welfare state

باشند، می توانند پیش بینی های نسبتاً دقیقی در خصوص پیامدهای سیاست گذاری ها ارائه دهند؛ بنابراین می توان از آن ها برای حل مشکلات استفاده کرد. اینکه آیا مدلی اثبات گرایانه است یا خیر، زمانی مشخص می شود که از آن برای پیش بینی استفاده شود. استفاده از اعداد یا تجزیه و تحلیل جبری لزوماً یک اثر را حائز شرایط «اثباتی بودن» نمی کند. تحلیل آماری در صورتی اثباتی است که مبتنی بر آزمون فرضیه های قیاسی در مورد روابط باشد که مستقیماً قابل مشاهده نیستند. تفاوت اصلی این است: روش شناسی تاریخ گرایانه با بررسی روابط قابل مشاهده به فهم و درک می رسد؛ در صورتی که روش اثبات گرایانه با استنباط روابط مشاهده نشده دست به پیش بینی می زند. یکی از اولین کاربردهای روش اثبات گرایانه در تحلیل های اجتماعی را ویلیام پتی^۱ در اواخر دهه ۱۶۰۰ در انگلیس اجرا کرد (استودنسکی، ۱۹۵۸: ۲۶-۳۰). نوآوری ویلیام پتی، گردهم آوردن و تلفیق «نظریه» و «داده ها» در درک وضعیت اجتماعی و اقتصادی و رویکرد قیاسی مبتنی بر حل مسئله بود.

۳. روش شناسی تحقیق

منظور از نظام شاخص های اجتماعی، مجموعه ای از شاخص ها است که به طور نظام مند و هدفمند انتخاب شده اند، به خوبی تعریف شده و به وضوح ساخت یافته اند (نال، ۲۰۱۴). تلاش برای تدوین نظام شاخص های اجتماعی مستلزم پاسخ دادن به دو پرسش کلیدی است: اول اینکه «چه چیزی باید اندازه گیری شود؟ یا چگونه تعداد محدودی از موضوعات و ابعاد اندازه گیری را از یک جهان به طور فزاینده نامحدود انتخاب کنیم؟» بسته به پاسخی که به این سؤال داده می شود، می توان سه رهیافت داده محور، سیاست محور و مفهوم محور را تشخیص داد. در رهیافت داده محور، موضوعات و ابعاد سنجش، بسته به امکان دسترسی به داده ها انتخاب می شوند؛ در حالی که نقطه عزیمت رهیافت سیاست محور، معمولاً اهداف مندرج در سیاست گذاری های اجتماعی است که توسط شاخص ها عملیاتی می شوند و هدف آن ها رصد دستیابی به اهداف است. در مقابل، رهیافت مفهوم محور معمولاً مبتنی بر چارچوب نظری یا مفهومی است که راهنمای انتخاب ابعاد سنجش و شاخص های مورد بررسی است.

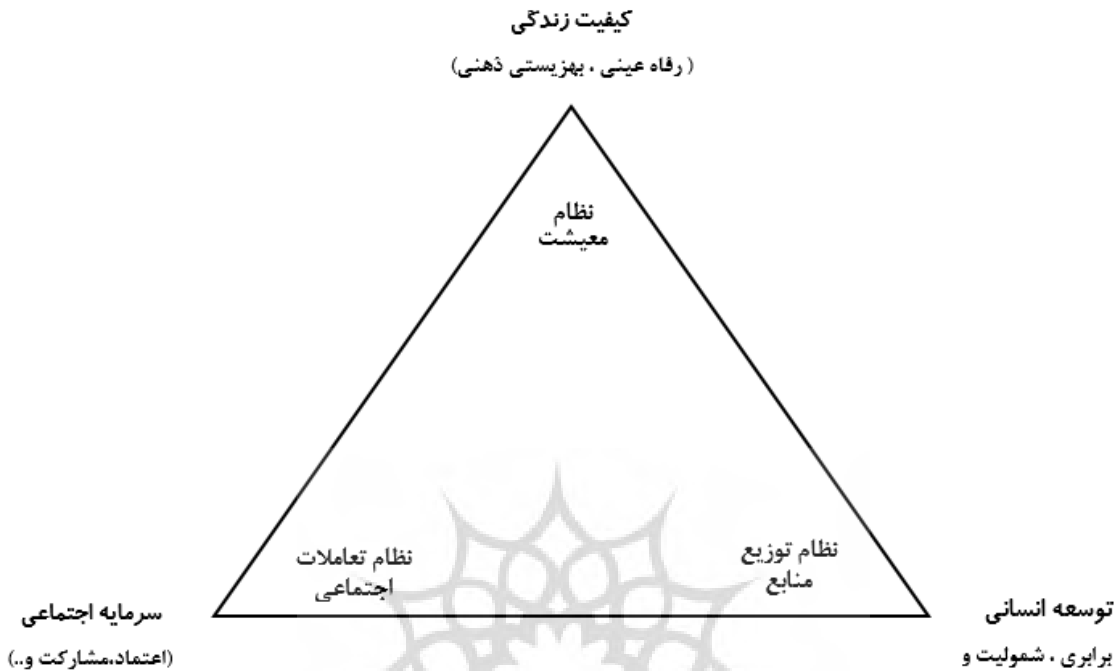
دومین مسئله در تدوین نظام شاخص های اجتماعی، تعیین و مشخص کردن رویکرد گزارش دهی است که از این منظر می توان سه رویکرد اصلی را مشخص کرد: سنجش سطح توسعه و رفاه اجتماعی، رصد تغییرات ساختاری، و بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی. از بین دو پارادایم رقیب در حوزه تدوین نظام شاخص های اجتماعی، مقاله حاضر مبتنی بر رهیافت اثبات گرایی و رهیافت مفهوم محور است. در عین حال اهداف برنامه ای مندرج در اسناد بالادستی کشور نیز در نظر گرفته شده است. به منظور تحقق معیار جامعیت، سه مدل مفهومی - سنجشی مستقل برای سنجش وضعیت اجتماعی جامعه ایران تدوین و طراحی شده است.

۴. یافته های تحقیق: به سوی تدوین چارچوب های مفهومی برای نظام شاخص های اجتماعی

۴-۱. وضعیت اجتماعی به مثابه سنجش سطح توسعه اجتماعی

در این رهیافت، وضعیت اجتماعی به مثابه سنجش سطح رفاه و توسعه اجتماعی جامعه تلقی می شود. در این مدل، پاسخ به سه سؤال اساسی برای ترسیم وضعیت اجتماعی ضروری است: ۱. سطح زندگی شهروندان در چه وضعیتی است؟ ۲. توزیع منابع و فرصت ها چگونه است؟ ۳- نظام تعاملات و روابط اجتماعی چه وضعیتی دارد؟

^۱. Pettyductive, problem-solving approach



شکل ۱. سه ضلعی وضعیت اجتماعی به مثابه سنجش سطح توسعه اجتماعی

منبع: نگارنده

اولین مؤلفه سنجشی در این مدل، ناظر بر سنجش وضعیت نظام معیشت شهروندان جامعه است. مؤلفه مفهومی متناظر با این بعد، مفهوم کیفیت زندگی است که به شاخص‌های سطح زندگی شهروندان در قالب نرخ، نسبت یا ارقام متوسط اشاره دارد، مانند نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ اشتغال و نرخ بیکاری.

دومین و اصلی‌ترین مؤلفه سنجشی در این رهیافت، سنجش وضعیت نظام توزیع منابع و فرصت‌ها است. به بیان دیگر، چگونگی توزیع شاخص‌های کیفیت زندگی در جمعیت مورد بررسی به تفکیک مناطق و گروه‌های مختلف اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه توزیع آن شاخص‌ها در بین طبقات جمعیتی یکسان باشد می‌توان گفت بالاترین حد ارضای نیازها (و به عبارت دیگر حداکثر رفاه) عاید شده است. مؤلفه مفهومی متناظر با این بعد، مفهوم توسعه انسانی است که برای بررسی نحوه توزیع منابع، فرصت‌ها و امکانات در جامعه به کار می‌رود.

سومین موضوع در تدوین گزارش وضعیت اجتماعی در این رهیافت، سنجش وضعیت نظام تعاملات و روابط اجتماعی است. نگرانی از رابطه بین واحدهای درون یک جامعه مانند افراد، گروه‌ها، انجمن‌ها، نهادها و همچنین واحدهای ارضی (قلمروی) از جمله دغدغه‌های گزارشگران اجتماعی است. در چارچوب مفهومی پیشنهادی حاضر از مفهوم سرمایه اجتماعی (در سطوح خرد، میانی و کلان) برای رصد نظام روابط اجتماعی استفاده شده است. جدول ۲ و شکل ۱ اجزای سه‌گانه مدل مفهومی الف، سنجش سطح توسعه را نشان می‌دهد.

به‌طور کلی وضعیت اجتماعی در این مدل مفهومی مشتمل بر سه مؤلفه سنجشی (نظام معیشت، نظام توزیع، نظام تعاملات) است که هر یک متناظر با یک سازه مفهومی (کیفیت زندگی، توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی) هستند. براساس این رهیافت، «توسعه

تلویحاً اشاره به وضعیت مطلوبی دارد که سطح بهینه‌ای از کیفیت زندگی (عینی و ذهنی) در آن تحقق یافته، گروه‌های شهروندی دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع دارند و روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد (بین فردی، نهادی و عمومی) در هر سه سطح خرد، میانه و کلان در جامعه جاری است» (ملکی، ۱۳۹۸).

از این دیدگاه، شاخص اجتماعی یک سنجۀ مستقیم رفاه است و تابع این تفسیر است که اگر آن شاخص‌ها در جهت صحیحی تغییر کنند، مادامی که سایر چیزها یکسان باقی بمانند، وضعیت بهتر شده است یا مردم از رفاه بیشتری برخوردار شده‌اند.

جدول ۲. ابعاد و مؤلفه‌های سنجشی و مفهومی مدل «وضعیت اجتماعی به مثابه سنجش سطح رفاه و توسعه»

مؤلفه سنجشی	سازه مفهومی متناظر	ابعاد اصلی	ابعاد فرعی
نظام معیشت	کیفیت زندگی	رفاه عینی	دسترسی به منابع و فرصت‌ها
		بهبودی ذهنی	مؤلفه‌های شناختی و عاطفی
نظام توزیع	توسعه انسانی	برابری اجتماعی	برابری درآمدی برابری طبقاتی برابری فضایی برابری جنسیتی
		شمولیت اجتماعی	تقویت تاب‌آوری توانمندسازی
		پایداری	تقویت و حفظ سرمایه نسل جاری تقویت و حفظ سرمایه نسل آینده
نظام تعاملات	سرمایه اجتماعی	سطح کلان	نهادی
		سطح میانه	سازمانی
		سطح خرد	روابط فردی

منبع: نگارنده

الف) سازه‌های مفهومی یک (کیفیت زندگی): کیفیت زندگی موضوعی فرابخشی، چندرشته‌ای و اساسی در جامعه کنونی است (رودریگس، ۲۰۲۰). در اینجا مفهوم کیفیت زندگی برحسب تعریف نسبتاً جامع دیوید فیلیپس (۲۰۰۶) از کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گرفته است: «لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی برای برآوردن خواست‌های اجتماعی شهروندان است و در بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی، رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی و مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی مربوط می‌شود» (۲۰۰۶: ۲۴۲ به نقل از غفاری، کریمی و نوذری، ۱۳۹۱: ۱۱۶). در اینجا ابعاد مفهومی و توسعه‌ای تحت پوشش کیفیت زندگی عبارت‌اند از شرایط عینی زندگی افراد و بهبودی ذهنی آن‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی. بعد عینی زندگی به‌عنوان تسلط فرد بر منابع^۱ تعریف می‌شود که از طریق آن‌ها می‌تواند شرایط زندگی خود را کنترل و آگاهانه هدایت کند (اریکسون، ۱۹۹۳: ۷۲-۷۳). بعد بهبودی ذهنی مبتنی بر ادراک ذهنی و ارزیابی فرد از شرایط زندگی است.

ب) سازه مفهومی دو (توسعه انسانی): در این مدل مفهومی از مفهوم توسعه انسانی در معنای امارتیاسنی آن برای بررسی نحوه توزیع منابع، فرصت‌ها و امکانات در جامعه استفاده شده است. امارتیاسن پس از دهه ۱۹۷۰ در انتقاد به رویکرد توسعه رشدمحور به طرح نظریه قابلیت و مفهوم توسعه انسانی پرداخت (سن، ۲۰۰۰). این دیدگاه معتقد به بهبود شاخص‌های توانایی نیروی انسانی و

۱. ریچارد تیت‌موس در بررسی وضعیت رفاه در بریتانیا «سطح زندگی را به‌عنوان تسلط فرد بر منابع» تعریف می‌کند (یوزیتالو، ۱۹۹۴).

افزایش دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها در جهت تأمین زندگی بهتر برای همگان است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۶). این مفهوم در قالب سه بعد اصلی تحقق برابری اجتماعی، شمولیت اجتماعی و پایداری عملیاتی شده است.

ج) سازه مفهومی سه (سرمایه اجتماعی): سومین مؤلفه چارچوب مفهومی، سرمایه اجتماعی است که معرف حوزه نظام تعاملات اجتماعی است. رایج‌ترین تعریف از سرمایه اجتماعی، یک تعریف «هنجاری» از آن است که در آن، سرمایه اجتماعی به شبکه‌های جمعی و هنجارهای اعتماد و تعامل اشاره دارد (فولکرسون، ۲۰۲۳: ۸۶۸). ایده محوری سرمایه اجتماعی را می‌توان در واژه «رابطه» خلاصه کرد. اعضای جامعه با برقراری رابطه با یکدیگر و پایدار ساختن آن‌ها قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی را کسب می‌کنند که به‌تنهایی قادر به کسب آن‌ها نیستند (فیلد، ۱۳۸۸: ۷). به استناد نظریه عمومی سرمایه اجتماعی چلبی (۱۳۹۳) این سازه در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و در سه سطح کلان نهادی (میان‌ه) سازمانی و (خرد) روابط، عملیاتی می‌شود.

۲-۳. وضعیت اجتماعی به‌مثابه رصد روند تغییرات ساختاری

در این رهیافت، «وضعیت اجتماعی به‌مثابه رصد روند تغییرات ساختاری در طول زمان» تلقی می‌شود. براین اساس، نقطه شروع در تعیین سیاست اجتماعی، بررسی روند تحولات ساخت اجتماعی است (لطیفی، ۱۳۸۹: ۲۴۰). ساختار اجتماعی در جامعه‌شناسی اشاره به آرایش یا ترکیب ثابت و مشخصی از نهادها دارد که به‌واسطه آن، انسان‌ها در یک جامعه شروع به تعامل و زندگی با یکدیگر می‌کنند. ساختار اجتماعی، اغلب با مفهوم تغییر اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ نیروهایی که ساختار اجتماعی و سازمان‌دهی جامعه را تغییر می‌دهند. به‌طور کلی مفهوم «ساختار» یعنی مجموعه‌ای از روابط بین عناصر یک سیستم که دارای حدی از انسجام و ثبات است. به این ترتیب، این مفهوم دارای سطح بالایی از انتزاع است؛ به‌نحوی که می‌توانیم در عمل برای هر قطعه‌ای از واقعیت که در آن شاهد نظم خاصی هستیم، آن را به‌کار ببریم (برناردی و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۶۲). مطالعه نحوه و روند تغییرات در بافت ساختار اجتماعی در دوره‌های گذشته، جهت و چگونگی تکامل درازمدت و کلی را روشن می‌کند (لطیفی، ۱۳۸۹: ۲۴۰).

ساختار ارزشی	ساختار قشربندی
ساختار جمعیتی	ساختار فناوری (فاوا)
رصد ساختارهای اجتماعی	

شکل ۲. مدل مفهومی سنجش وضعیت اجتماعی به‌مثابه رصد تغییرات ساختاری

در این رهیافت، روند تغییرات اجتماعی در هر دو سطح خرد و کلان، اندازه‌گیری و رصد قرار می‌شود. منظور از روند، دوره کلی یا گرایش غالب در مطالعه تغییرات در یک ساختار اجتماعی است. در سطح خرد، تغییرات در حوزه ارزش‌ها و نگرش بررسی می‌شود و در سطح کلان، دگرگونی در ساختار جمعیتی، قشربندی اجتماعی و فناوری اطلاعات مورد مطالعه و تدقیق قرار می‌گیرد. علت انتخاب این چهار حوزه ساختاری، لزوم توجه به دو ویژگی مهم شاخص‌ها یعنی کمی‌بودن و مقایسه‌پذیری بودن آن‌ها از یک طرف و تأثیرگذار بودن این ساختارها در وضعیت فعلی جامعه است.

از این دیدگاه شاخص های اجتماعی عبارت اند از «تمام داده هایی که به نحوی ذهن ما را از ساختارها و روند تغییرات آن ها آگاه و روشن می سازند». به بیان دیگر، تغییرات ساختاری و پیشرفت در فرایند نوسازی به صورت تطبیقی رصد و بر آن نظارت می شود. اینکه ساختارهای اجتماعی چگونه در طول زمان تغییر می کنند و چه تفاوت های ساختاری ای بین جوامع، مناطق و... وجود دارد (زاپف، ۱۹۷۷).

جدول ۳. ابعاد و مؤلفه های مفهومی مدل «وضعیت اجتماعی به مثابه رصد تغییرات ساختاری»

مدل مفهومی	مؤلفه مفهومی	ابعاد سنجشی
مدل مفهومی رصد تغییرات ساختاری	ساختار نظام ارزشی	باورها (دینداری) ارزش ها (سنتی، مدرن، پست مدرن) نگرش ها (جنسیتی، سیاسی، محیط زیستی)
	ساختار جمعیتی	تعداد و اندازه جمعیت ترکیب جمعیت توزیع جمعیت حرکات جمعیت (پدیده های جمعیتی)
	ساختار قشر بندی و نابرابری اجتماعی	شاخص های اقتصادی نابرابری اجتماعی ساختار طبقاتی جامعه براساس ترکیب مشاغل شاخص های تحرک اجتماعی پنداشت از ساختار طبقاتی
	ساخت فناوری (رشد فاوا)	دسترسی استفاده مهارت

منبع: نگارنده

الف) زیرساختار اجتماعی ۱ (نظام ارزشی): مفهوم ارزش، هسته مرکزی تمام علوم اجتماعی است. مهم ترین متغیر وابسته در مطالعه فرهنگ، جامعه و شخصیت و مهم ترین متغیر مستقل در مطالعه نگرش ها و رفتار است. درک مسائل مورد علاقه علمای اجتماعی بدون پرداخت عمیق به حوزه ارزش های انسانی دشوار است (راکبج، ۱۹۷۳: IX). برخی از متفکران علوم اجتماعی مانند اینگلهارت، ارزش های اجتماعی را جنبه ذهنی ساختار اجتماعی جامعه می دانند و از این رو به منظور بررسی وضعیت اجتماعی جامعه به مطالعه ساختار نظام ارزشی جامعه می پردازند (ملکی، ۱۳۸۴). در خصوص اهمیت ارزش های اجتماعی در حوزه نوسان سنج های اجتماعی، سی رایت میلز (۱۹۵۹) بر این باور است که یک موضوع فقط وقتی به عنوان «مسئله ای عمومی» مطرح می شود که «احساس شود پاره ای از ارزش های مورد علاقه عموم، در معرض تهدید است». آنگاه آن مسئله، عمومی تلقی می شود (۱۹۵۹: ۱۵). منظور از *نظام ارزشی*، مجموعه ارزش های مرتبط به هم است که رفتار و کارهای فرد را نظم می بخشد و غالباً بدون آگاهی فرد شکل می گیرد. به بیان دیگر، عبارت است از ترتیب هرمی مجموعه ای از ارزش هایی که فرد یا افراد جامعه به آن پایبندند و بر رفتار فرد یا رفتار افراد، بدون آگاهی آنان به آن حاکم است (خلیفه، ۱۳۷۸: ۷۵). وقتی تعداد زیادی از ارزش ها در یک شبکه روابط علی و مرتبط با هم قرار می گیرند، در واقع نوعی ارتباط، پیوستگی و تقدم و تأخر را نشان می دهند که در آن صورت صحبت از نظام ارزشی می شود (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۲۷).

(ب) زیرساختار اجتماعی ۲ (ساختار جمعیتی): از نظر برخی از متفکران اجتماعی به‌ویژه جمعیت‌شناسان، ساختار اجتماعی یک جامعه، تابعی از نحوه ترکیب و توزیع جمعیت برحسب جنس، سن و دیگر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی است (لطیفی، ۱۳۸۹: ۲۴۴). ساخت جمعیت، مجموعه عناصر و ویژگی‌ها و روابط نسبتاً پایدار جمعیت است که در طول زمان در ارتباط با یکدیگر دارای شکل و ترکیب خاصی شده‌اند؛ به‌نحوی که تغییر آن در مدت کوتاه بسیار دشوار است (تمنا، ۱۳۷۸: ۶۱). رصد تغییرات ساختاری به‌خاطر تأثیرش بر دیگر فرایندهای توسعه جامعه‌ای از اهمیت بسزایی برخوردار است. شاخص‌های جمعیتی، نشانگر وضعیت جمعیت‌های انسانی از نظر اندازه، ترکیب و توزیع است. بررسی شاخص‌های جمعیت‌شناسی، نقشی مؤثر در روشن‌ساختن وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع ایفا کرده و با پیش‌بینی‌های خود راهی را که اجتماعات بشر در آینده نزدیک خواهند پیمود، هموار می‌سازد. به‌طور کلی تعداد، رشد و ساختار جمعیت، سه متغیر اساسی و مرتبط هستند که در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی و توسعه‌ای به آن‌ها توجه صورت می‌گیرد. پرداختن به تعداد بدون توجه به رشد یا ساختار جمعیت نمی‌تواند شناخت درستی از وضعیت موجود و آینده جمعیت ارائه کند. شاخص‌های جمعیتی در قالب نسبت، نرخ یا میزان بیان می‌شوند.

(ج) زیرساختار اجتماعی ۳ (ساختار فناوری فاوا): یکی از عوامل و شرایط اصلی تغییر ساختار اجتماعی، فناوری است (گی‌روشه، ۱۳۷۵). فناوری به معنای کاربرد دانش در تولید محصول از منابع جهان مادی و شامل ایجاد ابزارهای مادی است که در کنش متقابل انسان با طبیعت به‌کار گرفته می‌شود (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۵: ۱۹۰). متناسب با ماهیت فناوری در هر مرحله از توسعه، اعصار مختلف شکل گرفته‌اند. یکی از مشخصه‌های عصر حاضر، رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) است که به ابداع مفاهیم جدیدی مانند «عصر ارتباطات» و «جامعه اطلاعاتی» یا «جامعه شبکه‌ای» در عرصه مطالعات علوم اجتماعی و سنجش شاخص‌های اجتماعی منجر شده است. نقش و کارکردهای فناوری ارتباطات و اطلاعات به‌عنوان محور بسیاری از تحولات جهانی، انکارناپذیر است. چارچوب مفهومی مفیدی که می‌تواند فرایند حرکت به‌سمت جامعه اطلاعاتی را توصیف و ارزیابی کند، براساس مدل سه‌مرحله‌ای «دسترسی، استفاده و مهارت» است. شاخص توسعه ICT یا IDI درنهایت به رقمی بین صفر تا ۱۰ برای هر کشور منتهی می‌شود (اتحادیه بین‌المللی مخابرات، ۲۰۱۲: ۱۶). هرکدام از سه زیرگروه اصلی شاخص توسعه فاوا دارای معیارهایی برای ارزیابی است که از طریق آن‌ها و این زیرشاخص‌ها می‌توان به سنجش شاخص توسعه فاوا و درنهایت سنجش میزان آمادگی هرکدام از کشورها پرداخت (اتحادیه بین‌المللی مخابرات، ۲۰۱۲: ۱۸).

(د) زیرساختار اجتماعی ۴ (ساختار قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی): اصطلاح ساختار اجتماعی شامل قوانین توزیع و تخصیص منابع اجتماعی قدرت، منزلت و ثروت نیز هست که به‌طور تخصصی ذیل عنوان قشربندی اجتماعی جای می‌گیرد (استیل و پرایس، ۱۳۹۶: ۴۸). قشربندی اجتماعی بیان ساختارمند نابرابری‌های اجتماعی است (کرمی، ۱۳۹۳: ۶۷). به بیان دیگر، قشربندی اجتماعی ناظر بر نابرابری‌های ساختارمند و سلسله‌مراتبی هر جامعه و بیانگر برخورداری یا محرومیت اقشار اجتماعی مختلف از مزایای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است؛ بنابراین با بررسی قشربندی اجتماعی در هر جامعه می‌توان به زمینه‌ها و علل بروز بسیاری از تحولات اجتماعی دست یافت (ساسان‌پور و مفتخری، ۱۳۹۰: ۷۹). مفهوم قشربندی با بسیاری از مفاهیم در حوزه رفاه قربات و نزدیکی خاصی دارد، مفهومی مانند برابری/نابرابری، فرصت‌ها، طرد اجتماعی و محرومیت اجتماعی. در حوزه اندازه‌گیری ساختار قشربندی اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی چندین رهیافت وجود دارد که هر یک بر سنجش بعد خاصی از این حوزه متمرکزند: پنداشت ذهنی شهروندان از ساختار طبقاتی جامعه، شاخص‌های اقتصادی فقر و نابرابری‌های اجتماعی، ترکیب طبقاتی جامعه مبتنی بر ساختار مشاغل و شاخص‌های تحرک اجتماعی.

۳-۳. سنجش وضعیت اجتماعی به مثابه بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی

نقطه کانونی این مدل در ارزیابی وضعیت اجتماعی، نه سنجش سطح توسعه و نه رصد تغییرات ساختاری جامعه، بلکه توصیف و تبیین وضعیت نامطلوبی است که تحت عنوان مسئله یا آسیب اجتماعی به آن اشاره می شود. به بیان دیگر در این رهیافت، «وضعیت اجتماعی به مثابه بررسی وضعیت آسیب ها و مسائل اجتماعی» تلقی می شود. در قالب دو رهیافت قبلی (یعنی رهیافت سنجش سطح توسعه و رهیافت رصد تغییرات ساختاری)، چهار مفهوم کیفیت زندگی، برابری اجتماعی، سرمایه اجتماعی و تعادل ساختاری به عنوان خصیصه های مثبت یک جامعه متعادل مدنظر قرار داشتند؛ درحالی که در رهیافت آسیب شناسانه، پیامدهای عدم تحقق این خصیصه های مثبت - به عنوان مسئله اجتماعی - بررسی می شود.

از دیدگاه کارکردگرایی، عوامل اصلی در وقوع مسئله اجتماعی، «اختلال» و «تغییرات سریع ساختاری» است (مشونیس، ۱۳۹۵: ۳۵-۳۶)؛ درحالی که از دیدگاه مکتب تضاد، عامل اصلی وقوع مسئله اجتماعی «نابرابری» است (همان: ۳۹). با استفاده از مفاهیم تغییر سریع اجتماعی، اختلال و نابرابری، یک سنخ شناسی چهارگانه از مسائل اجتماعی متناظر با چهار حوزه مفهومی دو رهیافت قبلی ارائه می شود. به بیان دیگر، مسئله اجتماعی، وضعیت نامطلوبی تعریف می شود که ناشی از اختلال در یکی از ابعاد جامعه (کیفیت زندگی، برابری اجتماعی، سرمایه اجتماعی و تعادل ساختاری) است.

الف) مسائل اجتماعی ناشی از کاستی ابزار معیشتی (کاهش سطح و کیفیت زندگی): در اینجا مسئله اجتماعی، وضعیتی است که در آن، برآورده کردن نیازهای اساسی زندگی با مشکل روبه رو می شود. به بیان دیگر وضعیت مؤلفه های عینی کیفیت زندگی (مانند اشتغال، ابزارهای معیشتی و سرپناه) و به دنبال آن وضعیت مؤلفه های ذهنی کیفیت زندگی (مانند رضایت از زندگی) دچار کاستی و ضعف روبه رو شود. کیفیت یا سطح زندگی به عنوان تسلط فرد بر منابع (یوزیتالو، ۱۹۹۴) فرصت ها و امکاناتی (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۲۴۸) تعریف می شود. در رهیافت آسیب شناسانه، عدم دسترسی افراد به این منابع، فرصت ها و امکانات، و علل و پیامدهای متعاقب آن در قالب مسئله، آسیب یا کزرفتاری مطالعه می شود.

ب) مسائل ناشی از نابرابری در توزیع منابع: در اینجا مسئله اجتماعی، شرایطی است که موجب رنج و عذاب روحی و ذهنی اقشار خاصی از مردم جامعه می شود (ایتزن و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۵). این شرایط محصول اختلال در توزیع عادلانه منابع و مواهب جامعه است. در چنین شرایطی است که جامعه به انحراف نهادی میدان می دهد؛ یعنی جامعه به گونه ای سازمان دهی می شود که بخشی از مردم محروم شوند (ایتزن و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰).

ت) مسائل ناشی از اختلال در نظام تعاملات اجتماعی: از این دیدگاه مسئله اجتماعی، اختلال در نظام تعاملات و روابط اجتماعی است. رابطه اجتماعی، عنصر اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است. در واقع تمامی نظریه های سرمایه اجتماعی، در تعریف خود، رابطه اجتماعی را جزء اصلی سازنده سرمایه می دانند (چلبی، ۱۳۷۵: کلمن، ۱۹۸۸، ۱۹۹۴؛ لین، ۲۰۰۱؛ پاکستون، ۲۰۰۲؛ گروتترت و فن بستلر، ۲۰۰۲). چلبی معتقد است رابطه اجتماعی رکن اصلی «ما» و اجتماع است. بدون رابطه اجتماعی، وجود ماها و اجتماع و بالطبع جامعه غیرقابل تصور است. در یک معنا، جامعه شبکه نام روابط اجتماعی میان کنشگران است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴۷). در صورت نبود فرصت کافی برای درگیر شدن در انواع روابط انجمنی، در بلندمدت، جامعه نه تنها از تولید خیر جمعی در اشکال گوناگون محروم خواهد شد، بلکه با انواع شر عمومی مانند شورش، اغتشاش، تخریب اموال عمومی، خاص گرایی قومی، از خودبیگانگی اجتماعی، تنهایی اجتماعی، فساد اداری، شایعه پراکنی و نظایر آن مواجه خواهد شد (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۶).

جدول ۴. طراحی مدل اولیهٔ سنجش برای مدل مفهومی ج

ابعاد فرعی	ابعاد اصلی	مدل مفهومی
کاهش سطح رفاه عینی در جامعه	مسائل ناشی از کاهش سطح	مدل مفهومی بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی
کاهش رفاه ذهنی	کیفیت زندگی	
نابرابری اجتماعی	مسائل ناشی از توزیع نابرابر منابع و فرصت‌ها	
طرد اجتماعی		
ناپایداری		
اختلال در پیوندهای اجتماعی	مسائل ناشی از اختلال در سرمایه اجتماعی	
بی‌اعتمادی اجتماعی		
کاهش سطح مشارکت		
مسائل ناشی از تغییر در ساختار ارزشی	مسائل ناشی از تغییرات سریع ساختاری	
مسائل ناشی از تغییر در ساختار جمعیتی		
مسائل ناشی از تغییر در ساختار قشربندی		
مسائل ناشی از تغییر در ساختار فناوری		

منبع: نگارنده

ث) مسائل اجتماعی ناشی از تغییرات سریع ساختاری: تغییرات سریع ساختاری عامل زمینه‌ساز مسائل اجتماعی هستند. از این دیدگاه، «جامعهٔ دستخوش تغییرات سریع ساختاری، کانون بی‌سامانی اجتماعی است» و سرچشمهٔ انحرافات اجتماعی در تغییرات ساختار جامعه نرفته است (ایتزن و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۷). با توجه به نوع تغییرات ساختاری می‌توان یک سنخ‌شناسی چهارگانهٔ فرعی‌تر از مسائل اجتماعی ارائه کرد:

- مسائل اجتماعی ناشی از تغییرات ساختار فرهنگی-ارزشی: از این دیدگاه وقوع تغییرات سریع اجتماعی سبب اختلال در هنجارهای جامعه می‌شود. هنگامی که هنجارها تضعیف، مبهم یا در تعارض با یکدیگر باشند، جامعه در وضعیت آنومی یا بی‌هنجاری^۱ قرار می‌گیرد. در اینجا مسئلهٔ اجتماعی، رفتار یا شرایطی است که نقض هنجارها و ارزش‌های جامعه محسوب می‌شود (ایتزن و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۷).
- مسائل اجتماعی ناشی از تغییرات ساختار جمعیتی: مفهوم «حد متناسب جمعیت» یعنی بهترین تعادل ممکن بین منابع و تعداد جمعیت یک سرزمین (افراخته، ۱۳۷۴). هر وضعیتی که در این تعادل یا تناسب اختلال ایجاد کند، مسئلهٔ جمعیتی تلقی می‌شود. مسائل اجتماعی ناشی از تغییرات ساختاری جمعیت را می‌توان در قالب سه حوزهٔ رشد نامتعادل جمعیت، توزیع نامتعادل جمعیت و ترکیب نامتناسب جمعیت (تغییر ساختار سنی و جنسی) دسته‌بندی کرد.
- مسائل ناشی از تغییرات ساختار قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی: تقسیم جمعیت به اقشاری که پاداش نابرابر می‌گیرند عموماً ساختار طبقاتی به‌شمار می‌آید. مطالعات انجام‌شده (مقدسی، ۱۳۸۵؛ سرایی و بحرانی، ۱۳۸۶؛ کرمی، ۱۳۹۳) نشان می‌دهند جامعهٔ بعد از انقلاب تغییرات عمیقی به خود دیده و ساختار طبقاتی آن به‌شدت دگرگون می‌شود که این امر پیامدهای انکارناپذیری بر دیگر جوانب جامعه داشته است. به‌طورکلی می‌توان مسائل ناشی از تغییرات ساختار طبقاتی در جامعه را به سه دستهٔ کلی تقسیم‌بندی کرد: افزایش نابرابری‌های اجتماعی (تشدید شکاف/ تعارض طبقاتی)، اختلال در تحرک اجتماعی (نامیدی اجتماعی) و تغییر در ترکیب ساختار طبقات اجتماعی (تضعیف طبقهٔ متوسط / افزایش نسبت فقرا).

^۱. normlessness

- مسائل ناشی از تغییرات فناوری (رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات): گسترش اینترنت، توسعه شبکه های مجازی و حضور رو به تزاید و متراکم کاربران این شبکه ها، به شکل گیری الگوهای جدیدی از روابط و تعاملات میان فردی و اجتماعی منجر می شود. گسترش و نفوذ فناوری های اطلاعات و ارتباطات، تغییراتی در فرهنگ، هویت و مناسبات فردی، میان فردی و به طور کلی ساختار اجتماعی جوامع ایجاد کرده است که این تغییرات به نوبه خود موجب بروز مسائل و آسیب های اجتماعی متعددی در جامعه شده است. در سال های اخیر در سطح جهانی و ملی، مسائلی مانند هویت دیجیتال، شکاف دیجیتال، تأخر فرهنگی، جرائم سایبری و رایانه ای، اخلاق اینترنت، نقض حریم خصوصی، اعتیاد اینترنت، هرزه نگاری اینترنتی، رشد فردگرایی و کاهش جمع گرایی و... مطرح و بررسی شده اند.
- برخی از محققان اجتماعی در نقد رهیافت سوم بر این باورند که در مطالعه فضای مجازی نباید دچار کژراهه تشخیص اولویت ها شد و به جای پرداختن به موضوعات پایه صرفاً به آسیب ها و مشکلات ناشی از تغییرات ساختاری روی آورد (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۲: ۸۳).

۵. بحث و نتیجه گیری

موضوع شناخت و بررسی شاخص های وضعیت اجتماعی یکی از مهم ترین دغدغه های متفکران، تحلیلگران و سیاست گذاران اجتماعی است. تلاش در جهت کمی کردن شاخص های اجتماعی و به کارگرفتن آن در تدوین برنامه های توسعه از هدف های اصلی کشورها است (لطیفی، ۱۳۸۹). اثربخش ترین راه حل در حوزه سنجش وضعیت اجتماعی، تدوین «نظام شاخص های اجتماعی» است. منظور از نظام شاخص های اجتماعی، مجموعه ای از شاخص ها است که براساس یک مدل نظری، به طور نظام مند و هدفمندی انتخاب شده اند، به خوبی تعریف شده و به وضوح ساخت یافته اند. مهم ترین مرحله در بر ساخت چنین نظامی از شاخص ها، تدوین یک چارچوب مفهومی منسجم است که اهمیت اساسی و حیاتی دارد. هدف چنین چارچوبی، هدایت و تصحیح فرایند انتخاب ابعاد سنجش و شاخص ها است. در مقاله حاضر، سه مدل مفهومی مستقل برای سنجش وضعیت اجتماعی جامعه ایران پیشنهاد شده است که سه هدف اصلی در حوزه تدوین گزارش های اجتماعی یعنی سنجش سطح رفاه و توسعه، رصد تغییرات ساختاری، و بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی مدنظر قرار داده است.

جدول ۵ مؤلفه های اصلی مدل های مفهومی را همراه با سطوح سنجش آن ها نشان می دهد. در مدل سنجش سطح توسعه (مدل مفهومی الف)، سه مؤلفه مفهومی اندازه گیری می شود: در سطح خرد، سازه های کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی و در سطح کلان مفهوم توسعه انسانی سنجش می شوند. در مدل رصد تغییرات اجتماعی (مدل مفهومی ب)، در سطح خرد وضعیت نظام ارزشی و در سطح کلان، روند تغییرات ساختاری در سه عرصه جمعیتی، قشر بندی و رشد فناوری مورد رصد قرار می گیرد. جدول ۶ ابعاد و مؤلفه های اصلی مدل بررسی مسائل اجتماعی را متناظر با مؤلفه های دو مدل دیگر نشان می دهد.

جدول ۵. مؤلفه های اصلی مدل های مفهومی همراه با سطوح سنجش آن ها

مدل های مفهومی نظام شاخص های اجتماعی		سطح سنجش
مدل رصد تغییرات	مدل سنجش سطح توسعه	
ارزش ها و نگرش ها	کیفیت زندگی سرمایه اجتماعی	خرد
ساختارهای جمعیتی طبقاتی و فناوری	توسعه انسانی (برابری، شمول، پایداری)	کلان

در خصوص اولویت استفاده از این چارچوب‌های مفهومی، نظرات مختلف و گاه متضادی وجود دارد. برخی از محققان اجتماعی (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲) معتقدند در تحقیقات و گزارش‌های فرهنگی و اجتماعی باید به موضوعات پایه و متداول پرداخت. مدل‌های الف و ب مبتنی بر این رهیافت هستند. در مقابل، دسته دیگری از محققان بر این باورند که به دلیل گستردگی موضوعات باید اقدام به اولویت‌بندی و بررسی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی کرد (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴).

جدول ۶. مؤلفه‌های اصلی و ابعاد آن‌ها در سه مدل مفهومی الف، ب و ج

مؤلفه‌های اصلی	ابعاد	مؤلفه‌های اصلی	ابعاد
مسائل معیشتی	کاهش رفاه عینی	نظام معیشت (کیفیت زندگی)	رفاه عینی
	افول بهزیستی ذهنی		بهزیستی ذهنی
	بی‌اعتمادی نهادی		اعتماد نهادی
مسائل تعاملاتی	کاهش اعتماد تعمیم یافته	نظام تعاملات (سرمایه اجتماعی)	اعتماد سازمانی (تعمیم یافته)
	کاهش مشارکت مدنی		اعتماد عمومی و مشارکت
	تا برابری اجتماعی		برابری اجتماعی
مسائل توزیعی	طرز اجتماعی	نظام توزیع (توسعه انسانی)	شمولیت اجتماعی
	تأییداری		پایداری
مسائل طبقاتی	تشدید فقر و نابرابری	ساخت قشریندی اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی
	تضعیف طبقه متوسط /		ساختار طبقاتی جامعه
	تصادف اجتماعی		تحرك اجتماعی
	احساس محرومیت		پنداشت از ساختار طبقاتی
مسائل ارزشی	کاهش دینداری	ساخت ارزشی	باورها
	تضعیف ارزش‌های خانواده‌گرا		ارزشها
مسائل جمعیتی	تغییرات جمعیتی	ساختار جمعیتی	تغییرات جمعیتی
	رشد نامتعادل جمعیت		تعداد و رشد جمعیت
	ترکیب نامتعادل جمعیت		ترکیب جمعیت
مسائل فناوری	توزیع نامتعادل جمعیت	ساخت فناوری	توزیع جمعیت
	نابرابری دیجیتال		دسترسی
	مسائل هویتی و شخصی		استفاده
	چراغ سائیری		مهارت

منبع: نگارنده

در خصوص اولویت استفاده از این چارچوب‌های مفهومی، نظرات مختلف و گاه متضادی وجود دارد. برخی از محققان اجتماعی (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲) معتقدند در تحقیقات و گزارش‌های فرهنگی و اجتماعی باید به موضوعات پایه و متداول پرداخت. مدل‌های الف و ب مبتنی بر این رهیافت هستند. در مقابل دسته دیگری از محققان بر این باورند که به دلیل گستردگی موضوعات باید آسیب‌ها و مسائل اجتماعی را اولویت‌بندی و بررسی کرد (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴).

این چارچوب‌های مفهومی نه فقط در طول، بلکه در عرض یکدیگر هم قرار دارند و امکان استفاده هم‌زمان از هر سه مدل پیشنهادی وجود دارد. در مدل‌های مفهومی پیشنهادی علاوه بر شاخص‌های عینی به بررسی شاخص‌های ذهنی (مانند شاخص ذهنی کیفیت زندگی و پنداشت از ساختار طبقاتی) نیز توجه شده است.

مأخذ مقاله: مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «شناسایی و احصای شاخص‌های ارزیابی وضعیت اجتماعی برای جامعه ایران»؛ با حمایت مالی سازمان امور اجتماعی کشور (دفتر مطالعات، رصد و پیوست اجتماعی).

منابع

- ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۹۲). تأملی بر نسبت میان فناوری های اطلاعاتی با تغییرات در فرهنگ و مناسبات اجتماعی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴(۴)، ۸۳-۱۰۶. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2013.24.004>
- استیل، استفان اف. و پرایس، جمی (۱۳۹۶). *جامعه شناسی کاربردی (اصطلاحات، مباحث، ابزارهای تحلیل، و تمرین ها)*. ترجمه حسن ملک و محمد حب وطن. تهران: سمت.
- افراخته، حسن (۱۳۷۴). نقش ساختار جمعیتی ایران در توسعه و ارتباط آن با آموزش نیروی انسانی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۱۵۶-۱۵۷، ۱۱-۳۶.
- ایتزن، استلی، باکازین، ماکزین و ایتزن اسمیت، کلی (۱۳۹۶). *مسائل اجتماعی از دیدگاه انتقادی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. جلد دوم. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با مشارکت شورای اجتماعی کشور.
- تمنا، سعید (۱۳۸۷). *مبانی جمعیت شناسی*. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه پیام نور.
- توکل، محمد و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۵). معرفت، فناوری و جامعه جدید: خوانش جامعه شناسی معرفت از جامعه پسا صنعتی و اطلاعاتی دنیل بل. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵(۲)، ۱۸۹-۲۱۱. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.59238>
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشرنی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. تهران: نشرنی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۳). *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه شناسی*. تهران: نشرنی.
- خلیفه، عبداللطیف محمد (۱۳۷۸). *بررسی روان شناختی تحول ارزش ها*. ترجمه حسین سیدی. مشهد: شرکت به نشر.
- دواس، دیوید (۱۳۹۲). *طرح تحقیق در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: آگه.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). *آناتومی جامعه: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیعی، حسن، مدنی قهفرخی، سعید و وامقی، مروثه (۱۳۸۷). مشکلات اجتماعی در اولویت ایران. *مجله انجمن جامعه شناسی ایران*، ۹(۱)، ۱۸۴-۲۰۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1387.9.1.8.3>
- ساسان پور، شهرزاد و مفتخری، حسین (۱۳۹۰). دگرگونی نظام قشر بندی اجتماعی در ایران از سقوط ساسانیان تا پایان امویان. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۱(۱)، ۷۹-۹۶.
- سرایبی، حسن و بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۶). کاربرد نتایج سرشماری های عمومی در بررسی ساختار و تحولات قشر بندی اجتماعی ایران. *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۲(۳)، ۲۹-۵.
- غفاری، غلامرضا، کریمی، علیرضا و نوذری، حمزه (۱۳۹۱). روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(۳)، ۱۰۷-۱۳۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36564>
- فیلد، جان (۱۳۹۲). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی. چاپ سوم. تهران: آگه.
- کریمی، تاج الدین (۱۳۹۳). تبیین نقش توزیع مکانی قشر بندی اجتماعی در آسیب پذیری از مخاطرات محیطی در شهر تهران. *نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی*، ۱(۱)، ۶۷-۸۳. <http://jsaeh.khu.ac.ir/article-1-2315-fa.html>
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۹). *مبانی برنامه ریزی و سیاست اجتماعی*. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۶). *وضعیت توسعه انسانی در ایران: آسیب پذیری و تاب آوری*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- مشونیس، جان (۱۳۹۵). *مسائل اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری شورای اجتماعی کشور.

مقدس، علی اصغر (۱۳۸۵). تغییر ساختار طبقات اجتماعی در دوران قبل از انقلاب اسلامی (دوران پهلوی) و بعد از انقلاب تا ۱۳۵۷. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی (جلد ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
ملکی، امیر (۱۳۹۸). تدوین نظام سنجش شاخص‌های وضعیت اجتماعی برای جامعه ایران. سازمان امور اجتماعی کشور.
ملکی، امیر (۱۳۸۴). بررسی نظام ارزشی جامعه ایران، با تکیه بر نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی رونالد اینگلههارت. پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه اصفهان.
هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۹۱). *آناتومی رفاه*. تهران: جامعه و فرهنگ.

- Afrakhteh, H. (1995). Role of Iran's demographic structure and social resources training. *Persian Language & Literature Journal*, 6(4), 11-36. (In Persian)
- Bernardi, F., González, J. J., & Requena, M. (2006). The sociology of social structure, in: B. Bryant and D. Peck (eds.). *21st Century Sociology: A Reference Handbook*, Newbury: Sage.
- Bryant, C. G. A. (1985). *Positivism in social theory and research*. London: Macmillan.
- Chalabi, M. (1996). *Sociology of Order: explanation and theoretical analysis of social order*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Chalabi, M. (2006). *Social analysis in action space*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Chalabi, M. (2014). *Theoretical and comparative analysis in sociology*. Tehran: Ney. (In Persian)
- COBB, C. W., & Craig, R. (1998). *Competing Paradigms in the Development of Social and Economic Indicators*. Paper presented at the CSLS Conference on the State of Living Standards and the Quality of Life in Canada. Ottawa, October 30-31.
- Coleman, J. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
- Coleman, J. (1994). *Foundation of Social Theory*. Cambridge.
- De Vaus, D. A. (2001). *Research Design in Social Research*. Translated by: H. Nayebi. Tehran: Agah. (In Persian)
- Ebrahimabadi, H. (2014). A Study of the Relationship between Information Technology and Changes in Culture and Social Relationships. *Journal of Iranian Cultural Research*, 6(4), 83-106. (In Persian). <https://doi.org/10.7508/ijcr.2013.24.004>
- Eitzen, D. S., Baca Zinn, M., & Smith, K. E. (2011) *Social problems*. Translated by: H. Nayebi. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication publication. (In Persian)
- Erikson, R. (1993). *Descriptions of Inequality: The Swedish Approach to Welfare Research*. In: The Quality of Life. Ed. by M. Nussbaum; A. Sen. Oxford: Oxford University Press.
- Eyler, J. M. (1979). *Victorian Social Medicine: The Ideas and Methods of William Farr*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Field, J. (2017). *Social Capital*. Translated by: Gh. R. Ghafari & H. Ramezani. Tehran: Agah. (In Persian)
- Fulkerson, G., Thomas, A., Ho, J. M., Zians, J., Seale, E., McCarthy, M., & Han, S. (2023). COVID-19 and Social Capital Loss: The Results of a Campus Outbreak. *Social Indicators Research*, 165(3), 867-878. <https://doi.org/10.1007/s11205-022-03043-z>
- Ghafari, G., Karimi, A., & Nozari, H. (2012). Trend study of quality of life in Iran. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(3), 107-134. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36564> (In Persian)
- Grootaert, Christiaan; Van Bastelar, Thierry. 2002. Understanding and Measuring Social Capital: A Multidisciplinary Tool for Practitioners. *Directions in Development*; © Washington, DC: World Bank.
- Puttnam, R. (2002). *The role of social capital in development: An empirical assessment*. Cambridge University Press.
- Hezarjaribi, J., & SafariShali, R. (2012) *Anatomy of welfare*. Tehran: Society and Culture publication. (In Persian)
- International Telecommunication Union (ITU) (2012). *Measuring of the Information Society*. Geneva Switzerland.
- Karami T. (2014). The Role of Social Stratification in the Spatial Distribution of Vulnerability to Environmental Hazards in the City of Tehran. *Journal of Spatial Analysis Environmental Hazard*, 1(1), 67-83. <http://jsaeh.khu.ac.ir/article-1-2315-fa.html> (In Persian)

- Khaliah, A. M. (1999) *Psychological Study of the Evolution of Values*. Translated by: H. Seyedi. Mashhad: Behnashr. (In Persian)
- Latifi, G. R., (2010) *Principles planning and Social Policy*. Tehran: Jahad Daneshgahi of Allameh Tabataba'i University. (In Persian)
- Lecuyer, Bernard, and Anthony R. Oberschall. 1968. "Sociology: Early History of Social Research" In *International Encyclopedia of the Social Sciences* 15: 36-53. New York: Macmillan.
- Lin, N. (2001). *Social capital: A theory of social structure and action*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Macionis, J. J. (2019) *Social Problems*. Translated by: H. Nayebe. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication Publication. (In Persian)
- Madani Ghohfarrokhi, S. (2017) *The Situation of human development in Iran; Vulnerability and resilience*, Tehran: Ketab Parseh. (In Persian)
- Maleki, A. (2005) *A Study of Value System of Iranian Society; emphasizing on Modernization and Cultural Change of Ronald Inglehart. Doctoral dissertation of Sociology, University of Isfahan. (In Persian)*
- Maleki, A. (2019). *Compilation of social indicators system for Iranian society*. Social Affairs Organization of the country. (In Persian)
- Mills, C. W. (1959). *The sociological imagination*. London and New York: Oxford University Press.
- Moghadas, A. A. (2006). Changing the structure of social classes in the era before the Islamic revolution (Pahlavi era) and after the revolution until 1987. *International Congress on the Explanation of the Islamic Revolution Proceedings (vol2)*. Thhrnn: Th Instttuee for Comptttt on nnd Pubttttt tt n of Imam Khomii ni's Works. (In Persian)
- Noll, Heinz-Herbert (2014). *European System of Social Indicators*. In: Alex C. Michalos (editor in chief). *Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research*. Springer.
- Noll, Heinz-Herbert (2014). *Systems of Indicators*. In: Alex C. Michalos (editor in chief). *Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research*. Springer
- Paxton, P. (2002). Social capital and democracy: An interdependent relationship. *American Sociological Review*, 67(2), 254-277. <https://doi.org/10.2307/3088895>
- Phillips, D. (2006). *Quality of Life: Concept, Policy and Practice*. London: Rutledge.
- Rafiei, H., Madani-Ghohfarrokhi, S., & Vameghi, M. (2008). Priorities of Social Problems in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 9(1,2), 151-160. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1387.9.1.8.3> (In Persian)
- Rafiepour F. (1998) *Anatomy of Society: An Introduction to Applied Sociology*. Tehran: Entesharco (sherkate Sahamiye Enteshar). (In Persian)
- Rodrigues, J., Chicau Borrego, C., Ruiyo, P., Sobreiro, P., Catela, D., Amendoeira, J., & Matos, R. (2020). Conceptual Framework for the Research on Quality of Life. *Sustainability*, 12(12), 4911. MDPI AG. <http://dx.doi.org/10.3390/su12124911>
- Rokeach, M. (1973). *The nature of human values*. New York: Free Press
- Saraei, H. (2007). The application of the results of general censuses in the study of the structure and evolution of the social stratification of Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 2(3), 5-29. (In Persian)
- Sasanpour, S., & Moftakhari, H. (2011). The change of social stratification system in Iran from the fall of Sasanian to the end of Omavids. *Social History Research*, 1(1), 79-96. (In Persian)
- Sen, A. (2000). A decade of human development. *Journal of human development*, 1(1), 17-23.
- Smith, J. A. (1991). *The Idea Brokers: Think Tanks and the Rise of the New Policy Elite*. New York: Free Press.
- Steele, S. F., & Price, J. (2004). *Applied Sociology: Term, Topics, Tools, and Tasks*. Translated by: H. Malek & M. Hobbavatan. Tehran: Samt. (In Persian)
- Studenski, P. (1958). *The Income of Nations; Theory, Measurement, and Analysis: Past and Present*. New York: New York University Press.
- Tamana, S. (2008) *Demography*. Tehran: Payame Noor University Publication. (In Persian)
- Tavakol, M., & Erfanmanesh, I. (2016). Knowledge, technology, & the new society: A perception, based on sociology of knowledge, through hh aa n B''''s ddaas of hh nformooon & post-industrial society. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(2), 189-211. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.59238> (In Persian)

- Uusitalo, H. (1994). *Social Statistics and Social Reporting in the Nordic Countries*. In: Social Statistics and Social Reporting in and for Europe. Ed. by P. Flora; F. Kraus; H.-H. Noll; F. Rothenbacher. Bonn: Informationszentrum Sozialwissenschaften, 1994, p. 99-120.
- Zapf, W. (1984). *Individuelle Wohlfahrt: Lebensbedingungen und wahrgenommene Lebensqualität*. In: Lebensqualität in der Bundesrepublik. Ed. by W. Glatzer; W. Zapf. - Frankfurt a.M./New York: Campus, p. 13-26.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی